

تنوع موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار معلمان زن و مرد: رویکردی جامعه‌شناختی - روان‌شناختی

سلیمان قادری¹

آرزو محمودی²

چکیده

تفاوت‌های زبانی مردان و زنان همواره مورد مطالعه محققان و زبان‌شناسان اجتماعی قرار داشته است. این تحقیق سعی بر آن دارد که بر پایه نظرات موجود اثر روان‌شناختی متغیر مستقل جنسیت را بر متغیرهای تنوع موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار در جامعه زبانی معلمان مورد بررسی قرار دهد. داده‌های مورد نیاز از ضبط مکالمات در دفاتر معلمان گردآوری شده است که برای هر گروه جنسیتی حدود 60 دقیقه است. نتایج پس از بررسی توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد که مردان بیشتر حول موضوعات سیاسی و زنان حول موضوعات خانه و خانواده به بحث می‌پردازند. علاوه بر آن مردان به میزان زیادتری موضوعات را تغییر می‌دهند، در حالی که تغییر موضوع گفتگوی زنان به ندرت شکل می‌گیرد. در پیروی از سبک گفتار، هر دو جنس به طور یکسان از گونه گفتاری معیار بهره می‌برند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، تنوع موضوع، تغییر موضوع، جامعه زبانی معلمان.

1- مقدمه

جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به بررسی تاثیر عوامل اجتماعی و بافت بر نحوه استفاده از صورت‌های زبانی می‌پردازد و این صورت‌ها را در ارتباط با نقش‌های اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد.

مدرسی (1368: 132) معتقد است در بررسی‌های جامعه‌شناختی زبان که با بهره‌گیری از جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی صورت می‌گیرد، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی به شیوه‌های علمی و منظم نشان داده می‌شود. زبان‌شناسانی چون لباو³ (1966) و ترادگیل⁴ (1993) نشان داده‌اند اند که عوامل اجتماعی مختلف چون سن، جنس، وضعیت اقتصادی، موقعیت اجتماعی، قومیت، شغل و تحصیلات در زبان‌گونگی تاثیر فراوان دارد.

¹ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان

soleimanghadery@yahoo.com

a.mahmoodi11111@gmail.com

² - پژوهشگر

³ - Labov, W.

⁴ - Trudgill, D.

تفاوت جنسیت بین زن و مرد و تاثیر آن بر زبان یکی از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر در جوامع کنونی مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان زبان قرار گرفته است. پژوهش‌هایی که درباره زبان‌گونگی جنسیتی در جوامع زبانی مناطق مختلف جهان صورت گرفته است، نتایج تحقیقات قبل را تا حد زیادی تایید می‌کند. هر چند مطالعه در این حوزه از نظر کمی در حیطه جمع‌آوری داده‌ها به علت مسائل فرهنگی متفاوت در کشور و تنوع و گستردگی میدان عمل، کار مشکلی به نظر می‌رسد؛ اما این کار می‌تواند نقش سودمندی در روشن‌سازی روابط و زیربنای کلام هر دو جنس بازی کند.

در این تحقیق فرض بر آن است که زنان و مردان بر اساس دیدگاه‌های متفاوت جنسیتی، رفتار کلامی متفاوت دارند. مطالعه و بررسی متغیرهای زبان‌شناختی همچون تنوع موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار در حوزه تعامل مکالمه‌ای و همبستگی آن با مشخصه جنسیت می‌تواند این فرضیه را مورد آزمایش قرار دهد. در این پژوهش به این سؤالات که زنان و مردان معلم در مورد چه موضوعاتی در گروه‌های همسان صحبت می‌کنند و این موضوعات به چه سرعتی تغییر می‌یابد و همچنین چگونگی پیروی سبک گفتار ایشان از گونه معیار پاسخ داده می‌شود.

2- مباحث نظری

وارداف (2006: 315-316) میان جنس زیست‌شناختی و جنسیت فرهنگی - اجتماعی تمایز گذاشته و مسئله جنسیت در زبان را بیشتر پدیده‌ای فرهنگی و بافت محورتلقی می‌کند. همچنین او تفاوت‌های آوایی، واژگانی، دستوری و گفتمانی یا ارتباطی را در دو جنس ذکر می‌کند (همان: 318-320). وارداف در ادامه سه رویکرد غالب برای توجیه تفاوت‌های زبانی زن و مرد که در تاریخ جریان داشته‌اند را نام می‌برد: نظریه تفاوت زیست‌شناختی زن و مرد¹، نظریه تسلط مرد بر زن² و نظریه تفاوت اجتماعی زن و مرد³. دیدگاه تفاوت زیست‌شناختی، جنسیت را بر حسب جنس زیست‌شناختی تعریف می‌کند؛ یعنی چیزی که انسان مالک آن است. این نظریه فرض را بر آن گذاشته است که مردان نسبت به زنان به لحاظ جثه و قدرت برترند و اینکه در استفاده از زبان قطبیت جنسیتی وجود دارد. این نظریه همچنان می‌گوید که نقش‌های جنسیتی در زبان ثابت و مستقل از متن عمل می‌کنند. در دیدگاه تسلط فرض بر آن است که سلطه مردان بر زنان باعث ایجاد این تفاوت زبانی می‌شود و موقعیت زنان را در اجتماع در سطحی فرودست‌تر از مردان نگاه می‌دارد. دیدگاه تفاوت اجتماعی، تفاوت گفتاری زنان و مردان را انعکاس دهنده روابط فرهنگی می‌داند؛ یعنی فرهنگی که سطح انتظاراتش از یک زن با سطح انتظاراتش از یک مرد متفاوت است و از آنها رفتارهای متفاوتی را طلب می‌کند. این مسئله به گرایش‌های دو جنس به موضوعات متفاوت برای گفتگو اشاره می‌کند و تفصیل یا اختصار در کلام را ناشی از علائق زیربنایی هر یک می‌داند (همان: 326-328).

1- biological theory

2- dominance theory

3- difference theory

کامرون¹ (1998: 281-280) نظر به این دارد که دو دیدگاه تسلط و تفاوت اجتماعی دارای مشکلاتی است. او می‌گوید آنچه نظریه تفاوت به عنوان روش‌های متفاوت استفاده و درک زبان بیان می‌کند در حقیقت نمایشی از همان قدرت نابرابر است. او ادعا می‌کند که تفاوت اجتماعی بین نقش‌های زن و مرد به طور واضح در استفاده از زبان ظاهر نمی‌شود. اینچنین نیست که زن و مرد تنها الگوهای رفتاری «متناسب» جنس خود را یاد می‌گیرند و تقلید می‌کنند، بلکه آنها معانی جنسیتی وسیع‌تری که مربوط به استراتژی‌های دیگری چون مشارکت در گروه‌های همجنس یا متفاوت، شرایط خصوصی یا عمومی در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی است را درمی‌یابند.

از سویی نظریه تعبیری اجتماعی²، جنسیت را با توجه به بافت‌هایی که در آنها تعامل صورت می‌گیرد تعریف می‌کند. فرض این نظریه بر این است که نقش‌های جنسیتی سیال و متناسب با بافت متغیر است؛ نمودهای جنسیتی اختیاری‌اند و زن و مرد از بین این نمودها آزادانه یکی را برمی‌گزینند. با توجه به این نظریه مرد و زن به استفاده از یک سبک خاص زبان محدود نیستند و با توجه به بافت، تعامل آنها به تغییر سبک مجاز است (کوتس³ و جانسون⁴، 2001).

مدرسی (1368: 160-170) در توجیه تفاوت‌های زبانی زن و مرد بیشتر قائل به تفاوت‌های اجتماعی این دو گروه است. او می‌گوید چون هر یک از دو جنس در برخی حوزه‌های فعالیتی فعال‌تر از جنس دیگر است، اصطلاحات مربوط به آن حوزه مردانه و یا زنانه تلقی می‌شود. مدرسی به الگوهای زبانی ویژه دو جنس نیز اشاره می‌کند و معتقد است که در صورتی که زنان و مردان هر جامعه از این الگوها پیروی نکنند، پایگاه اجتماعی ویژه خود را از دست خواهند داد و یا لاقلاً مورد تمسخر قرار خواهند گرفت. او به تفاوت میزان تفاوت‌های جنسیتی زبان‌های مختلف اشاره می‌کند.

جان‌نژاد (1385) تفاوت‌های کلامی میان گویشوران زن و مرد ایرانی را در میزگردهای دانشجویی بر پایه متغیر میزان کلام با در نظر گرفتن دو عامل موضوع و نسبت تعداد گویشوران مرد به زن سنجیده و نشان می‌دهد که با داشتن تعداد گویشور مساوی در گروه‌های غیر همجنس، مردان بیش از زنان حرف می‌زنند. او می‌گوید مردان بیشتر حول موضوعات سیاسی، اقتصادی، ورزشی، پزشکی و مذهبی سخن می‌گویند و زنان بیشتر حول موضوعاتی چون خانواده، هنر و ادبیات و اجتماع حرف می‌زنند. البته داده‌های او تنها بافت میزگردهای دانشجویی را می‌سنجد که معمولاً موضوعات از پیش تعیین شده‌ای دارند. مرجان مهدی‌پور (1378) به بررسی عواملی پرداخته است که نشان‌دهنده عدم قاطعیت و قدرتمندی گوینده است. او مسئله قدرت را در گفتار زنان در مقایسه با مردان با توجه به دو متغیر فردی سن و تحصیلات بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که زنان در کلام خود از عوامل نشانه عدم قدرتمندی و قاطعیت بیش از مردان استفاده می‌کنند (نقل از هدايت، 1384). لیدا نصرتی (1378)

¹-Cameron, D.

²- Social Constructionist Theory

³- Coates, L.

⁴ Johnson, T.

تفاوت‌های تکیه کلامی در گفتار زنان و مردان فارسی زبان شهر تهران را بررسی کرد و نشان داد عوامل اجتماعی متعددی از جمله جنسیت، سن، تحصیلات، قومیت و غیره در ایجاد گوناگونی‌های زبان مؤثرند (نقل از هدایت، 1384). نرسیسیانس (1389) نیز انعکاس پدیده زبان جنسیتی را در بین شخصیت‌های برخی از فیلم‌ها بررسی و داده‌های تحقیقات اولیه را تأیید کرده است.

هیل¹ (2008) تغییر موضوع بین سیاستمداران مرد و زن را بررسی کرده است. او تغییر موضوع را به دو دسته تقسیم می‌کند. الف - درج موضوع²، ب - تغییر جزئی موضوع³. او به این نتیجه رسیده است که درج موضوع (تغییر آشکار و ناگهانی موضوع) که به عنوان عاملی در کنترل مکالمه، ویژگی سخن مردانه در تحقیقات قبل ذکر شده بود، در این بافت تأیید نمی‌شود. اما تغییر جزئی موضوع که در دیگر تحقیقات نشانه حس مشارکت زنان ذکر شد، در زنان سیاستمدار نیز مشاهده می‌شود.

هر یک از این تحقیقات گوشه‌ای از رابطه عوامل اجتماعی و مخصوصاً عامل جنسیت را با تفاوت‌های گفتاری بررسی کرده است. در نظر گرفتن تمام تفاوت‌ها در این حیطه، نیاز به تحقیقی بسیار گسترده دارد و فراتر از بحث یک مقاله است. بنابر این، در این پژوهش تنها چند جنبه از تفاوت گفتاری مردان و زنان بررسی و تاثیر جنسیت به عنوان متغیر مستقل اجتماعی و روان‌شناختی بر روی متغیرهای وابسته تنوع موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتاری در نظر گرفته می‌شود. در این مطالعه با محدود کردن بافت تعامل به بافت مدرسه (بین جامعه زبانی معلمان) سعی بر آن است تا از دخالت بعضی از متغیرها جلوگیری شود و در این بافت متغیرهای مورد نظر بررسی شود.

3- روش پژوهش

این تحقیق توصیفی در شهرستان نجف آباد به شیوه مشاهده به منظور بررسی تاثیر متغیر جنسیت بر برخی شیوه‌های به کارگیری زبان به خصوص در جامعه معلمان انجام شد. جمعیت آماری دبیران دو مدرسه پسرانه و دخترانه این شهر است. این دبیران، بومی یا مهاجر، میانسال - اغلب در محدوده سنی 30-45 سال - بودند. داده‌ها از مکالمات انجام شده در زمان استراحت دبیران در دفتر آنها استفاده شد. به منظور جلوگیری از تضاد مشاهده‌گر و طبیعی بودن مکالمات و همچنین رعایت مسایل اخلاقی و حقوقی در ابتدا به معلمان گفته شد که آنها در یک طرح تحقیقی به طور بی‌نام و مطابق با شرایط محرمانگی داده‌ها شرکت داده خواهند شد، اما زمان ناگفته ماند. پس از توافق، ضبط مکالمات در چندین جلسه به طور اتفاقی صورت گرفت. طول این مکالمات حدود 4 ساعت بود که برای هدف تحقیق 2 ساعت (1 ساعت مکالمه مردان و 1 ساعت مکالمه زنان) از آن استخراج گردید و داده‌های استخراج شده از طریق آمار توصیفی بر حسب متغیرهای موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار بررسی شد.

¹- Hill, M.L.

²- topic insert

³- meta-topic insert

اگرچه داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق برای نتیجه‌گیری قطعی ناکافی می‌نمود و متغیر بودن تعداد دبیران از 4 تا 6 نفر کار آوانگاری و تحلیل گفتگوها را مشکل می‌کرد اما محقق امیدوار است که توانسته باشد تصویری مختصر و کلی از مباحث تحلیلی را در ذیل ارائه دهد.

4- تحلیل داده‌ها

4-1- تنوع موضوع

در این تحقیق از بین مطالب ضبط شده، حدود 2 ساعت مکالمه به عنوان پیکره زبان انتخاب شد، که 60 دقیقه از آن متعلق به مکالمه مردان و 60 دقیقه متعلق به مکالمه زنان در گروه‌های همجنس بود. با تحلیل محتوایی این داده‌ها این نتیجه حاصل شد که زنان و مردان معلم تمایل گوناگونی نسبت به صحبت درباره موضوعات متفاوت از خود نشان می‌دهند. با اندکی بررسی می‌توان دریافت که مباحث مورد نظر معلمان طبق گستردگی و تنوع موضوع، می‌توان به این موارد دسته‌بندی کرد: 1- کاری 2- اجتماعی فرهنگی، 3- سیاسی، 4- بهداشت و پزشکی، 5- اقتصادی، 6- آب و هوا، 7- مذهبی 8- خانه و خانواده

در ادامه برای بررسی تاثیر عامل جنسیت بر انتخاب نوع موضوع و یا تنوع آن برای هر جنس، داده‌ها بر حسب دقیقه در یک ساعت به دست آمد. پس از تحلیل آنها نتایج زیر حاصل شد. جدول شماره 1 نشان‌دهنده توزیع موضوعات ذکر شده در بالا در طول زمان (یک ساعت برای هر جنس) است.

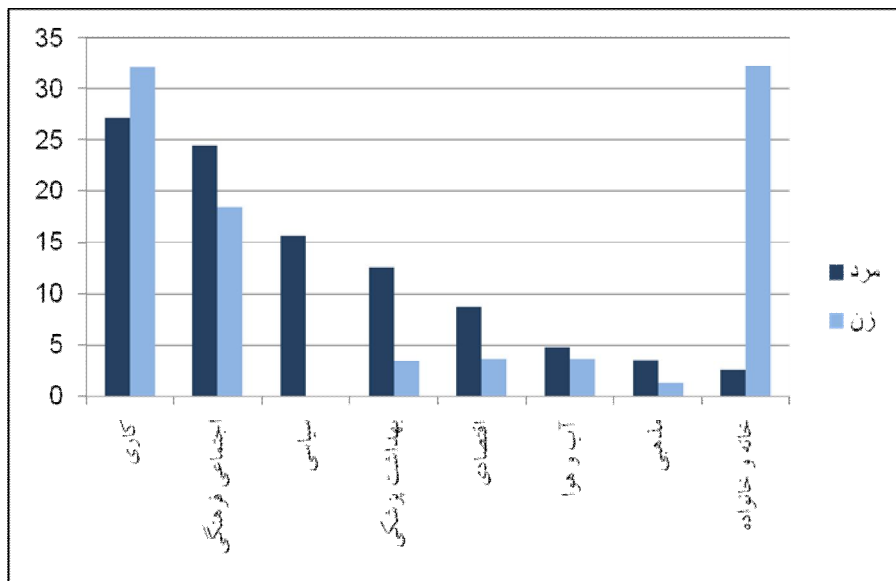
موضوع	مدت زمان مکالمه گویشوران مرد	مدت زمان مکالمه گویشوران زن
کاری	16,37	19,28
اجتماعی فرهنگی	14,65	11,08
سیاسی	9,4	0
بهداشت و پزشکی	7,5	2,05
اقتصادی	5,16	2,18
آب و هوا	2,83	2,16
مذهبی	2,08	0,71
خانه و خانواده	1,48	19,13

جدول شماره 1- مدت زمان سخنوری گویشوران مرد یا زن درباره موضوعات

مختلف بر حسب دقیقه در یک ساعت

بررسی تعامل موجود میان عامل جنسیت و نوع موضوع انتخابی و زمان صحبت درباره آن نشان‌دهنده اهمیت بعضی از موضوعات برای هر جنس در بافت خاص معلمی در مدرسه است، به طوری که هر جنس به موضوعات خاصی برای صحبت کردن علاقه نشان می‌دادند.

جهت درک بهتر مطلب، جدول شماره 2 درصد میزان سخنوری هر جنس را درباره هر موضوع به طور جداگانه به تصویر می کشد.



نمودار شماره 1- مقایسه درصد سخنوری گویشوران مرد یا زن درباره موضوعات

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود از موضوعاتی که در بالا عنوان شد، گویشوران مرد نسبت به انتخاب موضوعات متنوع، خود را علاقه مندتر از زنان نشان دادند؛ چون در نمودار، توزیع یکسان تری برای صحبت کردن درباره بیشتر موضوعات دارند. همچنین مردان از بین موضوعات بیان شده به صحبت درباره موضوعات سیاسی، اقتصادی، بهداشت و پزشکی علاقه مندی بیشتری نشان دادند؛ به طوری که زنان درباره موضوعات سیاسی اصلاً به بحث نپرداختند.

زنان نیز در گفتار پیرامون مسئله خانه و خانواده در حد بسیار زیادی از مردان پیش ترند؛ به طوری که مدت سخن گفتن آنها در این مورد حدود سیزده برابر مردان است و این تفاوت چشمگیر نشان دهنده تأثیری است که عامل جنسیت بر این کار دارد.

همانگونه که مشاهده می شود عامل جنسیت بر تنوع و گستردگی موضوعات تأثیر متفاوتی دارد و این امر از توانایی، علایق و اطلاعات آن جنس، در آن زمینه متأثر است. یعنی گویشوران مرد یا زن در موضوعاتی که به نظر می رسد بیش از جنس مقابل نسبت به آنها اطلاع دارند به بحث می پردازند و مدت زمان بیشتری از مکالمه را به آن مطلب اختصاص می دهند.

رابین لیکاف¹، از دیدگاه تفاوت اجتماعی، تفاوت گفتاری زنان و مردان را انعکاس دهنده روابط فرهنگی می‌داند، فرهنگی که در آن سطح انتظارات از یک زن با سطح انتظارات از یک مرد متفاوت است و از آنها انتظار می‌رود که علایق، نقش‌ها و رفتارهای گوناگون داشته باشند. او می‌گوید شاید به این علت، موضوع صحبت بین مردها بیشتر به کار، سیاست، مسائل مربوط به قانون، اقتصاد و مالیات و ورزش و در عوض موضوع بحث خانمها راجع به مشکلات زندگی اجتماعی خودشان، احساساتشان و وابستگی- هایشان با دیگران و خانه و خانواده محدود می‌شود (وارداف، 2006؛ جان‌نژاد، 1385). این یعنی آنکه توقع جامعه از مردان در ایفای نقش حافظ خانواده از نظر اقتصادی و سیاسی از یک طرف و همچنین حضور آزادانه‌تر آنها در جامعه و آشنایی بیشتر با این مسائل از طرفی دیگر باعث شده که مردان علاقه بیشتری به صحبت در این موضوعات را از خود نشان دهند. از سوی دیگر، در جامعه ما که زنان بیشتر نقش مراقبت از بنیان اجتماعی خانواده و انجام کارهای خانه (مثل پخت و پز، مراقبت از فرزندان) را دارند، مطابق با این نقش‌ها علایق و توانمندی‌هایشان نیز رقم می‌خورد و به طبع موضوعات این حیطه‌ها برایشان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. نقش معلمی، نیز در این بافت باعث شده که زنان نیز مانند مردان به صحبت درباره موضوعات کاریشان (در امر تدریس) بپردازند و به این علت در سخن گفتن پیرامون این موضوعات متأثر از بافت اجتماعی و تعاملی کارشان باشند.

در داده‌های فوق همانگونه که مشاهده شد زنان درباره سیاست اصلاً به بحث نپرداختند. این کار، به جز دلایل ذکر شده، شاید به خاطر روح مشارکت جمعی زنان در نگهداری جریان بحث و حفظ ارتباط باشد؛ یعنی اینکه چون مسائل سیاسی اغلب چالش‌برانگیز است و افراد نظر ثابتی درباره آن ندارند، زنان از صحبت پیرامون آن خودداری می‌کنند. از طرفی کارهای مربوط به سیاستمداری اغلب کارهای مردانه و مربوط به موضع قدرت به حساب می‌آیند؛ لذا این کار باعث اجتناب زنان از صحبت از این مسائل می‌شود. لیکاف (نقل از وارداف، 2006) نظر به این دارد که زنان اصولاً از دسترسی به قدرت نهی می‌شوند. این امر به علت پذیرفتن این تلقین اجتماعی است که زنان به علت ناکارآمدی زبانی یا هوشی قادر به حفظ قدرت نیستند. این تلقین اجتماعی از کودکی روی ذهن و نظر آنها اثر گذاشته است، به طوری که آنها خود این مسئله را قبول کرده‌اند.

4-2- تغییر موضوع

به منظور بررسی تأثیر نقش جنسیت بر میزان تغییر موضوع، از مکالمات جمع‌آوری شده از مجموع 6 جلسه بحث که به طور میانگین هر کدام 10 دقیقه - در کل 60 دقیقه - را پوشش می‌دادند استفاده شد. این مکالمات در گروه‌های همسان مردان و زنان شکل گرفت. پس از تحلیل داده‌ها بر اساس متغیر بسامد تغییر موضوع نتایج زیر حاصل شد.

¹- lakoff, R.

گوشوران زن	گوشوران مرد	
27	47	تغییر موضوع در یک ساعت

جدول شماره 2- تعداد تغییر موضوع در مکالمات مردان و زنان در طول 60 دقیقه

همانگونه که از آمار فوق مشاهده می‌شود جنس مذکر در تغییر موضوع حدود دو برابر جنس مؤنث موضوعات را تغییر داده است. این امر نشان دهنده علاقه بیشتر مردان به صحبت درباره موضوعات متفاوت است. این در حالی است که زنان بیشتر به توقف روی یک موضوع و به نوعی بررسی آن از جوانب گوناگون و از دیدگاه‌های مورد نظر افراد درگیر در تعامل کلامی تمایل دارند. تنن¹ (1990) از دیدگاه تفاوت اجتماعی به این منظر نگرسته و تفاوت‌های جنسیتی زبان را با تفاوت- تفاوت‌های فرهنگی مقایسه کرده است. او با مقایسه اهداف تعاملی دو جنس می‌گوید که مردان متمایل به استفاده از سبک خبری و زنان متمایل به استفاده از سبک توافقی‌اند؛ یعنی زنان بیشتر علاقه‌مند به برقراری و حفظ روابط‌اند. به عبارت دیگر در حالی که مردان برای خبر دادن و خبر گرفتن در باره همه موضوعات آنها را تغییر می‌دهند؛ زنان برای احترام به افراد شریک در مکالمه و نیز حفظ تعامل، درباره موضوع معرفی شده توسط دیگران به بحث می‌پردازند.

از طرفی، در دست گرفتن رهبری مکالمه با معرفی موضوعات جدید در طول یک مکالمه نشانه تسلط بر بحث است که از ویژگی‌های مردان محسوب می‌شود. یعنی مردان قدرتشان را در غلبه بر زنان و نیز بر یکدیگر با استفاده از تعیین موضوع، کنترل موضوع و قطع سخن دیگران نشان می‌دهند. به عبارتی دیگر در مکالمه گروه مردان، تکیه بر رقابت است (وارداف، 2006: 27-324). همچنین تغییر موضوع در مکالمات مردانه ناگهانی‌تر است درحالی‌که تغییر موضوع به طور تدریجی در مکالمات زنان اتفاق می‌افتد (کوتس، 1993: 189-190).

دوروال² (1990) نظر به آن دارد که شاید توقف زنان بر یک موضوع ریشه در این تفکر کلیشه‌ای داشته باشد که زنان بسیار پرحرفند، البته این نظر با نگرش پدرسالارانه خانواده‌های ایرانی که ساکت بودن زن را یک ارزش برای او حساب می‌کنند، به نوعی تناقض دارد. در تحقیقات دیگر نیز دیده می‌شود که زنان و دختران موضوعات خود را در رابطه با موضوعات سخنوران قبلی بیان می‌کنند و بدین صورت موضوعات یکدیگر را کامل می‌کنند (گودوین³، 1990)؛ همچنین مطالعات دیگر نشان می‌دهند که تغییر موضوع در میان زنان جزئی است و در همان حیطه موضوع قبلی و به تدریج صورت می‌گیرد (هیل، 2008).

¹- Tannen, D.

²- Dorval, B.

³- Goodwin, M

4-3- سبک گفتار

از گذشته، عقیده بر آن بوده که زنان (که به نوعی در موضع ضعف قرار دارند) در استفاده از زبان «برتر» برای رسیدن به «پرستیژ پیدا» و مردان (که در موضع قدرت قرار دارند)، به خصوص در جوامع کاری، در استفاده از زبان محاوره‌ای درون گروهی برای رسیدن به «پرستیژ پنهان» تمایل خود را نشان می‌دهند (وارداف، 2006: 312). یکی از سوالاتی که در ابتدای تحقیق نیز مطرح شد این مسئله بود که آیا میزان استفاده معلمان زن از زبان «برتر» یا معیار که اغلب همان گونه گفتاری معیار زبان فارسی است، نسبت به مردان بیشتر است و اینکه آیا مردان اغلب از گونه محاوره‌ای غیر رسمی بهره می‌برند. آنچه از بررسی داده‌های این تحقیق حاصل شد، این است که استفاده از سبک‌های گفتاری معیار و محاوره‌ای در معلمان زن و مرد به یک نسبت دیده می‌شود. حتی گویشورانی که زبان مادری غیر زبان فارسی دارند در تعامل با یکدیگر از گونه معیار بهره می‌برند. این امر ممکن است به این دلیل باشد که زبان و ارتباط به طور کامل به بافتی که در آن اتفاق می‌افتند وابسته‌اند (کوتس و جانسون، 2001): به عبارت دیگر دلیل آن به خاطر بافت تعاملی مکالمه است که در بین معلمان مدرسه جاری است. این مسئله مؤید نظریه تعبیری اجتماعی است که هر دو جنس را در گزینش سبک‌های زبانی مختلف با توجه به بافت خاص، آزاد می‌گذارد. در بافت مکالمه در جامعه معلمان، از یک طرف، رسمی بودن بافت مدرسه و تدریس به عنوان یکی از بافت‌های کاملاً رسمی و از طرف دیگر، نگاه و توقع جامعه از معلمان به عنوان معرف گونه گفتاری معیار زبان فارسی، گفتار آنها را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده است که معلمان اغلب اوقات، سبک گفتاری معیار را از بین سبک‌های متفاوت، حتی در شبکه اجتماعی خود برگزینند. از طرفی یکسان بودن نقش اجتماعی و کاری در جامعه، تمایز زبانی بین زن و مرد را تا حدود زیادی از بین برده است. این امر مؤید گفته کمرون است که اظهار می‌کند مردم در بافت‌های متفاوت رفتار جنسیتی گوناگون دارند و حتی گاهی به گونه‌ای عمل می‌کنند که آن عمل معمولاً، رفتار مخصوص جنس مقابلشان به حساب می‌آید (1997: 50).

5- نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، با بررسی سه متغیر زبانی موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار در سخن معلمان زن و مرد سعی شد نشان داده شود که عامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی جنسیت، در سطح زبان تفاوت‌های زیادی به وجود می‌آورد.

تحلیل داده‌ها بر اساس تنوع موضوع نشان داد که معلمان مرد بیشتر حول موضوعات سیاسی، اقتصادی، بهداشت و پزشکی به بحث می‌پردازند ولی زنان پیرامون موضوعاتی در حوزه خانه و خانواده بیشتر صحبت می‌کنند. همچنین مشاهده شد که اثر بافت کاری مدرسه باعث شده است که زنان هم، به میزان مردان درباره موضوعات حیطة کاری به بحث بپردازند. درباره متغیر تغییر موضوع نیز به این نتیجه حاصل شد که مردان اغلب تمایل بیشتری به تغییر موضوع دارند در حالی که زنان ترجیح می‌دهند حول

یک موضوع مدت زیادی به گفتگو پردازند. در پایان با بررسی سبک گفتار معلمان مشاهده شد که سبک گفتار آنان، (جدای از زبان مادری خاصشان) معمولاً شبیه است و از گونه سبک گفتاری معیار پیروی می-کند.

اگرچه بر اساس داده‌های اندک در این تحقیق نمی توان به نتیجه‌گیری و تعمیمی کلی درباره همه تفاوت‌های موضوعی کلام بین زن و مرد پرداخت، اما بررسی داده‌ها روشنگر مختصری از این تفاوت‌ها است. نکته دیگری که باید در اینجا خاطر نشان کرد، این مسئله است که در این تحقیق فقط تعاملات کلامی در بافت محدود به کلام معلمان در دفاترشان در اوقات استراحت، بررسی شد و تنها سه متغیر زبانی موضوع، تغییر موضوع و سبک گفتار مد نظر بود، لذا تاثیر بافت‌های موقعیتی زمانی یا مکانی متفاوت و بررسی عوامل دیگر بر نوع کلام ایشان ناگفته مانده است. عواملی چون هدف تعامل، نوع و سطح انتظارات گوینده و شنونده، تفاوت شأن اجتماعی مانند رتبه کاری، وضعیت جسمی و روحی، شرایط مالی، وضعیت جامعه و بسیاری از موارد دیگر بر روی بافت کلام تاثیر می‌گذارد و در نتیجه رفتار زبانی متفاوتی را در زن و یا مرد به ظهور خواهد رساند. بررسی تغییر کلام در اثر این عوامل می‌تواند موضوع تحقیقات آتی باشد.

منابع

- جان‌نژاد، محسن (1385). «تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در برخی موقعیت‌های تعامل مکالمه‌ای بر پایه میزان کلام». پژوهش زبان‌های خارجی، شماره 34، ص. 45-31.
- مدرسی، یحیی (1368). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مهدی‌پور، مرجان (1378). بررسی قدرت گفتار زنان و مردان فارسی زبان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نرسیسیانس، امیلیا. (1389). «زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کم و کیفی آن در برخی از فیلمنامه-ها». زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره 2، شماره 1، 54-41.
- نصرتی، لیدا (1378). «بررسی تفاوت‌های تکیه کلامی در گفتار زنان و مردان شهر تهران»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- هدایت، ندا (1384). «تاثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان)». دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره 1 (پیاپی 4)، 40-17.
- Bell, C.M., McCarthy, P.M., & McNamara, D.S., (2006). *Variations in Language Use Across Gender: Biological Versus Sociological Theories*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Cameron, D. (1997). *Performing Gender Identity: Young Men's Talk and the Construction of Heterosexual Masculinity*. In: S. Johnson

-
- and U.H. Meinhof, Editors, *Language and Masculinity*, Blackwell Publishers, Oxford (1997), pp. 47–64. In Hill (2008).
- Cameron (1998). *Performing Gender Identity: Young Men's Talk and the Construction of Heterosexual Masculinity*. In Wardhaugh (2006).
- Coates, J. (1993). *Women, Men and Language* (2d ed). London: Longman. In Wardhaugh (2006).
- Coates, L., & Johnson, T. (2001). *Towards a Social Theory of Gender*. In Bell (2006).
- Dorval, B. (1990). *Conversational Organization and Development*. Norwood, NJ: Ablex. Retrieved January 19, 2011 from www.wikipedia.org
- Goodwin, M. (1990). *He-said-she-said. Talk as Social Organization among Black Children*. Bloomington: Indian Press. Retrieved January 19, 2011 from www.wikipedia.org
- Hill, M. L. (2008). *Staying on Topic, Changing the Topic: Language and Gender in the 1995 Louisiana governor's race*. Retrieved January 19, 2011 from <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0362331908000293>
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English*. New York. Washington D.C: Center of applied linguistics.
- Lakoff, R. (1973). Language and Woman's place. *Language in Society*, 2: 45–80. In Wardhaugh (2006).
- Tannen, Deborah (1990). *You just don't Understand: Women and Men in Conversation*. New York: Morrow. Retrieved January 21, 2011 from www.wikipedia.org
- Trudgill, D. (ed). (1993). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Harmond Sworth: Penguin Books.
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics*. 5d ed. Oxford: Blackwell.